

بررسی فعالیت‌های کتاب محور مؤسسه انتشارات فرانکلین در ایران در چارچوب جنگ سرد

میثم امانی؛* کریم سلیمانی**

چکیده

یکی از وجوه برجسته و متمایز جنگ سرد رقابت‌های فرهنگی بین بلوک شرق و غرب بود. شوروی و ایالات متحده به منظور سیطره بر کشورهای مختلف، به جای اتخاذ سیاست مستقیم و بهره‌گیری از نیروی نظامی، از طریق فرهنگ و اندیشه و به واسطه ابزارهای فرهنگی به دنبال احاطه بر جوامع مدنی برآمدند. در این کارزار، ایالات متحده با ابزارهایی همچون موسیقی، فیلم، مَد، چاپ و نشر کتاب و با القای اندیشه دموکراسی و لیبرالیسم توانست بر جامعه مدنی کشورهای در حال توسعه غلبه کند و هژمونیک شود. در حوزه چاپ و نشر کتاب، انتشارات فرانکلین نیویورک که شعب متعددی را در کشورهای در حال توسعه ایجاد نمود، توانست علاوه بر ایجاد تحول در صنعت چاپ و نشر کتاب، بر جامعه مدنی این کشورها نیز تأثیر بگذارد و عرصه فرهنگی را از آن خود کند. مقاله حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر اسناد تاریخی نشان می‌دهد که هژمونی ایالات متحده در ایران چگونه با تکیه بر صنعت چاپ و نشر کتاب بسط یافت. به علاوه، این پژوهش برنامه کتاب محور مؤسسه انتشارات فرانکلین در ایران و جهان را در راستای یک رقابت کلان فرهنگی در عرصه بین‌الملل می‌بیند. واژگان کلیدی: جنگ سرد فرهنگی، هژمونی، جامعه مدنی، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ایران، آمریکا.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، meysam.amani68@gmail.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، soleimanyk@gmail.com

| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ | DOI:10.29252/HSOW.5.4.1

مقدمه

دوران جنگ سرد، علاوه بر کشمکش سیاسی میان دو بلوک غرب و شرق، تقابلی میان دو جهان‌بینی، دو نظام فلسفی، اقتصادی و اجتماعی نیز بود. تصادم میان جهان لیبرالیسم و سوسیالیسم، برخورد میان دو نظام فکری بود که یکی جهان آزاد و دموکراسی را تبلیغ می‌کرد و دیگری سودای عدالت و برابری و رفع نابرابری‌های طبقاتی را در دنیا داشت. جهان‌هایی که اگرچه منجی دنیا از خطر فاشیسم و نازیسم بودند، اما اینک وظیفه‌ی خود را کسب تسلط فراگیر بر کشورهای مختلف جهان می‌دانستند؛ بنابراین در دوره‌ی جنگ سرد، آمریکا و شوروی هر یک نماینده‌ی نوعی از جهان‌بینی بودند که ادعای سیادت بر جهان را داشت. در همین راستا، ایالات متحده آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم و در خلال درگیری‌های دوره جنگ سرد، نیازمند ترویج قدرت خود در کشورهای در حال توسعه بود، با استفاده از امکانات فرهنگی در صدد تسخیر جهان، خصوصاً کشورهای در حال توسعه‌ای که در معرض ورود اندیشه‌های کمونیستی بودند، برآمد.

یکی از مظاهر نبرد فرهنگی، بهره‌گیری از صنعت چاپ و نشر کتاب به منظور هژمونیک کردن قدرت کشورهای توسعه‌یافته در کشورهای در حال توسعه بود. پیرو این رویکرد، آژانس‌های متعدد دولتی، شرکت‌های خصوصی و عام‌المنفعه در زمینه چاپ و نشر کتاب به وجود آمد. سیاست‌های کندی و جانسون نیز در این زمینه مؤثر بود و در روند اشاعه هژمونی آمریکایی نقش مهمی داشت. تلاش برای توسعه صنعت چاپ و نشر، تربیت نیروی انسانی متخصص و افزایش سطح سواد در کشورهای در حال توسعه از این منظر در دستور کار مراکز دولتی و غیردولتی آمریکایی قرار گرفت که خود مروج «جهان‌آمریکایی و سرمایه‌داری» بودند و در کارزار جنگ سرد فرهنگی ابزاری مهم برای هژمونیک کردن قدرت آمریکا محسوب می‌شدند.

مؤسسه انتشارات فرانکلین یکی از ابزارهایی بود که ایالات متحده می‌توانست با اتکا بر آن، بر فضای فرهنگی کشورهای در حال توسعه، دست یابد و در دوران جنگ سرد، عرصه فرهنگی منازعه را از آن خود کند. این مقاله با تأکید بر برنامه کتاب محور فرانکلین در ایران، به دنبال نشان دادن چگونگی هژمونیک شدن ارزش‌های جهان سرمایه‌داری - و به‌طور خاص ایالات متحده آمریکا - در جامعه مدنی ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه است.

چارچوب تحلیلی

چارچوب تحلیلی این مقاله متکی بر دو مفهوم «جامعه مدنی» و «هژمونی» آنتونیو گرامشی جامعه‌شناس و فیلسوف ایتالیایی است. گرامشی به عنوان یک اندیشمند مارکسیست، به جای توجه به «زیربنا - روبنا» به «جامعه مدنی - جامعه سیاسی» توجه کرد (جانسون، ۱۳۷۸: ۲۱). از نظر وی جامعه مدنی در مجموعه گسترده‌ای از سازمان‌ها و نهادها شامل کلیسا، احزاب سیاسی، روزنامه‌ها، اتحادیه‌های تجاری، کلوپ‌ها، رسانه‌های جمعی و انجمن‌های داوطلبانه متجلی شده است که در مقابل جامعه سیاسی که از مؤسسات عمومی نظیر حکومت، دادگاه‌ها، پلیس و ارتش تشکیل می‌شود و مترادف با مفهوم «دولت» است، قرار می‌گیرد (نجف‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۰). از رهگذر این دو گانه، مفهوم دیگری با عنوان «هژمونی» و «سلطه» مطرح می‌شود. در گفتمان گرامشی هژمونی و سلطه اساساً با یکدیگر مغایر هستند.

واژه هژمونی از ریشه یونانی Hegemonia به معنای رهبری اخذ شده است و به اتحاد آنتی‌ها با مردمان دیگر دولت‌شهرهای یونان علیه پادشاهان ایران اطلاق می‌شده است. طبق این معنا، آنتی‌ها تلاش‌های مشترک داوطلبانه خود و دیگران را بدون اعمال قدرت سیاسی دائمی بر آنها سازماندهی و هدایت می‌کردند. بدین ترتیب، وجود «روابط» میان مجموعه‌ای از دولت‌ها، فقدان «اجبار» و وجود میزانی از «نظم و سازماندهی دسته‌جمعی» در مفهوم هژمونی نهفته است (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۹۰). به نظر گرامشی، هژمونی به رهبری فکری و اخلاقی اشاره دارد که از طریق عقایدی خاص اعمال می‌گردد. عقایدی که به وسیله نهادهای مدنی مانند مؤسسات آموزشی و مذهبی ترویج می‌شوند؛ لذا هژمونی از سلطه که به معنای اعمال مستقیم نیروی سرکوبگر توسط مکانیزم دولت است و شامل ابعاد رسمی و عمومی قدرت دولتی می‌شود، متمایز می‌گردد (پوراحمدی میدی و سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

در دیدگاه گرامشی، هژمونی یعنی تولید رضایت و اجماع فرهنگی. هژمونی زمینه ایدئولوژیک و فرهنگی حفظ سلطه طبقه مسلط بر طبقات پایین از طریق کسب رضایت آن‌ها و ترغیب آن‌ها به پذیرش ارزش‌های اخلاقی، سیاسی، فرهنگی مسلط به منظور دستیابی به اجماع و وفاق عمومی است. هژمونی نوعی رضایت خودساخته و خودانگیخته را به وجود می‌آورد که در تمام ابعاد زندگی روزمره انسان‌ها تنیده می‌شود و به شکل عقل سلیم در می‌آید؛ بنابراین، هژمونی در ارتباط با جامعه مدنی شکل می‌گیرد و سلطه در جامعه سیاسی نمود دارد (جول، ۱۳۸۸: ۱۱۱). گرامشی از ایستگاه‌های تلویزیونی، خانواده، مدرسه، کلیسا، روزنامه‌ها و غیره به دستگاه‌های هژمونی یاد می‌کند که افراد را به جای سرکوب به قدرت حاکم پیوند می‌دهند. مجموعه‌ای از عرف، عادات، راه رفتن، حرف زدن، سلیقه، رسوم و

غیره، همگی می‌توانند قالبی هژمونیک داشته باشند و افراد متوجه نشوند که در سیطره هژمونی قرار دارند (راجر، ۱۳۹۸: ۳۵).

در این مقاله با اتکا بر دو مفهوم یادشده درصدد توضیح این هستیم که ارزش‌های جهان سرمایه‌داری و به‌طور خاص آمریکا چگونه در کشورهای جهان سوم و در اینجا به‌طور خاص ایران هژمونیک شد. عرصه چاپ و نشر یکی از زمینه‌هایی بود که جامعه مدنی ایران را با ارزش‌های جهان آمریکایی عجین می‌ساخت و در میان عموم مردم جامعه همه‌گیر می‌کرد.

پیشینه پژوهش

تاکنون در مورد مؤسسه فرانکلین تهران کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است که بیشتر ذکر تاریخچه این مؤسسه بوده و در راستای معرفی کارنامه یک انتشارات موفق در دوره پهلوی است. داتوس اسمیت^۱ (۱۹۸۳، ۱۹۸۹) رئیس مؤسسه فرانکلین نیویورک در آثار خود به خدماتی که این مؤسسه در سراسر جهان در عرصه چاپ و نشر ارائه داده است توجه می‌کند و طبیعتاً وجهی انتقادی در آثار وی جای ندارد. ژیلاد یادگار (۱۳۵۸) در پایان‌نامه‌ای که دو سال پس از انحلال فرانکلین به نگارش درآورده است، اطلاعات مفیدی در خصوص بخش‌های مختلف فرانکلین و ساختار درونی آن به دست می‌دهد. او بیشتر به سیستم اداری و بوروکراتیک این مؤسسه توجه کرده است و جنبه تحلیلی کمتری را ارائه داده است. فیلستروپ^۲ (۱۳۵۷) نیز در مقاله‌اش اطلاعات مفیدی را در خصوص مؤسسه فرانکلین ارائه می‌دهد و بیشتر از منظر بررسی کارنامه مؤسسه فرانکلین به بحث نظر دارد و اطلاعات مهمی را ارائه می‌دهد. اسماعیل حدادیان مقدم (۲۰۱۶) در مقاله‌ای به وجه فعالیت فرانکلین در فضای جنگ سرد توجه کرده است، اما این مقاله از اسناد و منابع فارسی بهره‌ای نبرده است و صرفاً متکی بر اسناد خارجی است. نکته دیگری که در اثر حدادیان مقدم نمود بیشتری دارد، توجه به آثار ادبی و کودک چاپ شده توسط فرانکلین است، حال آنکه این نوشتار با تکیه بر منابع و اسناد داخلی و خارجی و استفاده از چارچوبی نظری که در حوزه مطالعات فرهنگی قرار می‌گیرد، به دنبال بررسی جایگاه مؤسسه فرانکلین در سطحی بین‌المللی است و از منظری کاملاً تاریخی به این مسئله توجه دارد. جدیدترین مقاله‌ای که به عملکرد مؤسسه انتشارات فرانکلین توجه کرده است، با عنوان تحلیل عملکرد انتشارات فرانکلین در حوزه کتاب کودکان و نوجوانان است که توسط حسن شمس‌آبادی، حمید بصیرت‌منش و سید

1. Datus Smith
2. Filestrop

محمود سادات بیدگلی (۱۴۰۰) تألیف شده است، اما تاکنون متن کامل مقاله در مجله مطالعات تاریخ فرهنگی منتشر نشده است و نویسندگان این مقاله نتوانسته‌اند از آن استفاده‌ای ببرند.

چگونگی تأسیس مؤسسه فرانکلین

ابتکار ایجاد نهادی غیرانتفاعی و خصوصی برای اهداف توسعه‌طلبانه فرهنگی آمریکا در زمینه چاپ و نشر کتاب، در نشستی میان گروهی از کتابداران کمیته روابط بین‌الملل انجمن کتابخانه‌های آمریکا و ناشران کمیته تجارت خارجی شورای ناشران کتاب آمریکا در سال ۱۹۵۱م در کتابخانه کنگره و با حمایت مستقیم اداره اطلاعات بین‌المللی (IIA) (که بعداً به آژانس اطلاعات ایالات متحده USIA^۱ تبدیل شد.) محقق شد (Robbins 2007: 641). در ۲۹ مه ۱۹۵۲، در جلسه‌ای با حضور ناشران، کتابداران و متخصصان حوزه چاپ و نشر، حاضرین در خصوص «نیاز به کتاب در کشورهای در حال توسعه» صحبت کردند. آنها معتقد بودند که اگر کتاب‌ها به زبان خوانندگان بالقوه ترجمه شوند، آثار نویسندگان آمریکایی بیشتر به دست مخاطبان مورد نظر خود می‌رسد (Smith, 1989: 53). حاضران در این جلسه، گواهی ایجاد مؤسسه‌ای را ثبت کردند که خصوصی، عام‌المنفعه و غیرسیاسی بود و توسعه صنعت و نشر بومی و توجه به امر ترجمه را مورد تأکید قرار می‌داد، اما در واقع، تمرکز بر ترجمه کتاب‌های آمریکایی و ترویج ادبیات آمریکایی در سراسر جهان بود. این مؤسسه جدید «مؤسسه کتاب فرانکلین» نامیده شد. داتوس اسمیت که رئیس انتشارات دانشگاه پرینستون بود، از این دانشگاه مرخصی گرفت و به‌عنوان رئیس این مؤسسه تازه تأسیس انتخاب شد.^۲ اعضای هیأت مدیره برنامه‌های کتاب فرانکلین، در آغاز همگی آمریکایی بودند، اما به تدریج افرادی از انگلیس، ایران، برزیل، پاکستان، سنگاپور، سودان، غنا، فرانسه، مصر، نیجریه و هند به آن راه یافتند (آذرننگ، ۱۳۹۶: ۵۵۸).

در خصوص خط مشی این مؤسسه جدیدالتأسیس در آغاز دو رویکرد وجود داشت. برخی این برنامه را یک برنامه‌ی ترجمه عظیم با بودجه دولتی و با اهداف کاملاً تبلیغاتی در نظر گرفته بودند و این طرح را به کنگره ارائه کرده بودند، اما مخالفان این طرح، اجرای آن در کشورهای در حال توسعه را مصداق امپریالیسم فرهنگی دانسته که موجب مخدوش شدن

1. United States Information Agency

^۲. تعداد اعضای هیئت‌مدیره فرانکلین نیویورک ۲۸ نفر ذکر شده است که شامل ناشران، دانشگاهی‌ها و اعضای از سازمان‌های دولتی می‌شد. (بادگار، ۱۳۵۸: ۲)

چهره‌ی ایالات متحده می‌شد؛ از همین رو تأیید اعتبارنامه مؤسسه فرانکلین در ابتدا در مجلس نمایندگان با مشکلاتی روبرو شد (Smith, 1983: 265).

مؤسسه فرانکلین برای پیشبرد برنامه‌های خود، اعانه‌ها و مساعده‌های مالی را از بنگاه‌ها، شرکت‌ها، اشخاص و سازمان‌های واقع در ایالات متحده و از کشورها و دولت‌هایی که در مناطق کاری فرانکلین واقع بودند، دریافت می‌کرد (Books For Developing Countries, Undated: 37).

در آغاز اداره اطلاعات بین‌المللی هزینه‌های آغازین فرانکلین به مبلغ نیم میلیون دلار را تأمین کرد. سپس آژانس اطلاعات ایالات متحده (USIA) هم همین مبلغ را برای تأسیس این مؤسسه پرداخت. کمی بعد کمیته‌های بین‌المللی اتحادیه ناشران آمریکا و انجمن کتابداران آمریکا به‌عنوان حامی این مؤسسه وارد میدان شدند. وزارت امور خارجه ایالات متحده نیز بودجه کوچکی را به این برنامه اختصاص داد، اما از آنجا که هیئت‌مدیره فرانکلین تحت کنترل شرکت‌های خصوصی تعیین شده بود، بنیادهای خیریه و شرکت‌های خصوصی، بنیاد فورد و بودجه «PL 480»^۱ و دیگر شرکت‌های خصوصی آمریکایی تا اواخر دهه ۵۰ میلادی حامیان اصلی این مؤسسه بودند (Smith, Encyclopædia Iranica, online edition, 2012).

بخش دیگری از پشتیبانی مالی این مؤسسه توسط دولت‌ها، بنیادها، شرکت‌ها و افراد خصوصی کشورهایی که در آنها برنامه‌های فرانکلین اجرا می‌شد، تأمین می‌گردید (Laugesen, 2010: 170). طبق اطلاعات موجود، تا سال ۱۹۵۹م، بنیاد فورد به این مؤسسه کمک‌های مالی قابل‌توجهی می‌کرده است، اما پس از آن، کمک از کشورهای در حال توسعه افزایش بیشتری پیدا کرد. طبق مقاله‌ای از نیویورک تایمز، این مؤسسه از «بنیاد آسیا»^۲ و یک بنیاد کوچک دیگر که هر دو تحت حمایت مالی C.I.A بودند، نیز کمک‌هزینه دریافت کرده است که البته فرانکلین منکر اطلاع از این روابط شد (New York Times, 26 December 1977, 1).

۱. قانون توسعه و کمک تجارت کشاورزی یا حقوق عمومی ۴۸۰ که در ۱۰ جولای ۱۹۵۴ توسط دوايت دی آیزنهاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا به منظور ایجاد دفتر غذا برای صلح ایجاد شد. این قانون به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد تا تا محموله‌های مازاد غذایی و کشاورزی را به کشورهای «دوست» اعطا کند.

۲. بنیاد آسیا یک سازمان غیرانتفاعی بین‌المللی توسعه‌محور و متعهد به بهبود زندگی در آسیای پویا و در حال توسعه است. این بنیاد در سال ۱۹۵۱ با نام کمیته آسیای آزاد زیر نظر سیا تأسیس شد، اما در سال ۱۹۵۴ از آن مستقل شد و به بنیاد آسیا تغییر نام داد.

هدف مؤسسه فرانکلین

به لحاظ تاریخی، مؤسسه انتشارات فرانکلین، محصول سیاست‌های جنگ سرد بود. سیاست‌هایی که قصد تبلیغ ارزش‌های آمریکایی و جهان سرمایه‌داری، توسعه و رشد کشورهای در حال توسعه و تقابل با رژیم شوروی و ایدئولوژی مارکسیستی - کمونیستی را داشت. حال ایجاد مؤسسه‌ای تحت نام فرانکلین بر این اهداف اساسی جنگ سرد صحنه می‌گذاشت. این سازمان با این عقیده که کشورهای در حال توسعه هم نیازمند و هم متمایل به کتاب‌های آمریکایی بودند، به وجود آمد و بر جذابیت آمریکا و حتی صلح جهانی که می‌توانست با نشر کتاب‌های آمریکایی در جهان مورد پذیرش قرار گیرد، تأکید کرد. همان‌طور که یکی از نویسندگان نقد و بررسی کتاب نیویورک‌تایمز در سال ۱۹۵۲م در مورد اهمیت انتشارات فرانکلین گفت: «هیچ کس وانمود نمی‌کند که می‌توانید کتاب را از روی توپ شلیک کنید، اما یک امید پرشور وجود دارد که اگر ایده‌های خود را برای ترویج دموکراسی به کار بگیرید، دیگر لازم نیست تیرها را شلیک کنید» (Dempsey, 1952: 8). برنامه کتاب فرانکلین دقیقاً همین مأموریت را داشت.

در خصوص اهداف و برنامه‌های مؤسسه فرانکلین چند نقطه نظر در چند سطح را می‌توان مطرح کرد. نخستین سطح را افراد و مؤسسات آمریکایی مربوط به این پروژه بیان می‌کنند. در این نگاه، ایالات متحده آمریکا به عنوان حامی کشورهای در حال توسعه معرفی می‌شود که در راستای رشد و توسعه این کشورها برنامه‌های ترویج صنعت چاپ و نشر را اتخاذ می‌کند. به طور مثال در کتابچه چاپ شده مؤسسه فرانکلین با نام «صنعت چاپ و نشر کتاب در کشورهای در حال توسعه» اهداف این سازمان: ۱- تولید و یا تقویت محلی صنایع چاپی کتاب در کشورهای در حال توسعه؛ ۲- بهبود سامانه‌های توزیعی کتاب؛ و ۳- ارتقا و افزایش کتابخانه‌ها ذکر شده است (Books For Developing Countries. Undated: 36).

دومین سطح از دیدگاه‌ها، وظیفه فرانکلین را ترجمه آثار آمریکایی و ترویج آن در کشورهای در حال توسعه می‌داند. به عنوان نمونه عبدالحسین آذرننگ کارمند سابق فرانکلین تهران، هدف از تأسیس این مؤسسه را ترجمه و نشر کتاب، کمک‌های فکری و فنی به کشورهای در حال توسعه برای ایجاد نشر خاص خود، انتشار کتاب به زبان‌های بومی خود؛ قطع شدن وابستگی آنها به منابع منتشر شده در اروپا و آمریکای شمالی؛ ایجاد تسهیلات در راه ترجمه و انتشار منابع آمریکایی به زبان‌های بومی آن کشورها می‌داند (آذرننگ، ۱۳۹۶: ۵۵۸). فیلستروپ هم که در سال‌های انحلال فرانکلین تحقیقاتی را پیرامون این مؤسسه انجام

داده بود، هدف از تأسیس این مؤسسه را «فراهم آوردن موجبات ترجمه و انتشار کتاب‌های آمریکایی به زبان‌های کشورهای در حال توسعه» ذکر کرده است (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۸). در دو سطح از اهداف مطرح شده واقعیاتی وجود دارد، اما به وجوه مهم این برنامه اشاره‌ای نشده است. در این دو سطح جای چند نکته خالی است. نخست اینکه اتخاذ چنین برنامه‌ی پر هزینه و سنگینی برای آمریکا چه نفعی به همراه داشت و دوم اینکه چرا آمریکا این سیاست را اتخاذ کرد؟ خصوصاً اینکه سیاست ترجمه کتب آمریکایی از مقطعی متوقف شد و به ظاهر شعبات فرانکلین راه استقلال از نیویورک را پیمودند. مسلماً در تحلیل‌های از نوع بالا به چنین نکاتی توجه نمی‌شود، اما واقعیت این است که بدون توجه به این مسائل اساساً تحقیق پیرامون سیاست کتاب ایالات متحده آمریکا و به‌طور خاص مؤسسه کتاب فرانکلین بی‌نتیجه است. بدون توجه به شرایط تاریخی دوران جنگ سرد، نمی‌توان پاسخی برای اهداف فرانکلین به دست داد.

حدادیان مقدم سطح سومی را برای اهداف این مؤسسه مطرح می‌کند. او «انتشار و پخش کتب چاپی به مردم سرزمین‌های خارج از ایالات متحده، برای تحریک علاقه و تبلیغ آزادی، عزت و رفاه بشری، انتقال دانش و اطلاعات مربوط به مردم ایالات متحده و تحریک علاقه به تاریخ، حکومت، فرهنگ، اقتصاد، تکنولوژی، علم و یادگیری مردم ایالات متحده» را از اهداف این مؤسسه می‌داند (Haddadian-Moghaddam, 2016: 4). وی به اصل مسئله، یعنی دوران جنگ سرد و اقتضائات آن توجه کرده است.

در آغاز کار فرانکلین، داتوس اسمیت پیشنهاد داد که این مؤسسه باید سه هدف استراتژیک و سه هدف تاکتیکی داشته باشد. اهداف استراتژیک آن: تقویت موقعیت ایالات متحده، جهان آزاد و حفظ صلح جهانی؛ افزایش خارجی توزیع کتاب‌های آمریکایی؛ و کمک به مردمان خاورمیانه و در نتیجه رفاه بشر بود و اهداف تاکتیکی این برنامه، کمک به تقویت ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای خاورمیانه، تبادل فرهنگی بین‌المللی، تهیه اطلاعات و نظرات در مورد آمریکا، دموکراسی و ایده آن «جامعه باز»، بود به گونه‌ای که مردم خاورمیانه بتوانند بدون داشتن زمینه‌ای توتالیтарыستی (منظور نظام شوروی) آن را قضاوت کنند (Robbins, 2007: 642).

مطابق آنچه در گواهی تأسیس فرانکلین از هدف اصلی این مؤسسه ذکر شده بود، انتشار کتاب برای مردم جهان خارج از ایالات متحده، به منظور تحریک علاقه و ارتقا آزادی، عزت و رفاه بشریت و دانش و اطلاعات مربوط به مردم ایالات متحده بود. برنامه‌ای که آنها را به تاریخ، دولت، فرهنگ، اقتصاد، فناوری، علم و یادگیری مردم ایالات متحده علاقه‌مند کند

(<https://findingaids.princeton.edu>). دولت ایالات متحده در راستای تحقق اهداف فرهنگی خود (تبلیغات) از گسترش فرانکلین حمایت کرد. ماهیت خصوصی و غیردولتی این مؤسسه آن را قادر می‌ساخت تا کارهایی را به انجام رساند که دولت نمی‌توانست «در مواجهه با چالش کمونیسیم در کتابفروشی‌های خارج از کشور» انجام دهد (Robbins. 2007: 643). بنابراین کارکنان زبده فرانکلین برای توسعه صنعت چاپ کتاب در کشورهای در حال توسعه اقدام کردند و آموزش‌هایی در این کشورها، از جمله تلاش برای آموزش ناشران، یاد دادن روش‌های تجارت کتاب و روش‌های تبلیغ و توزیع کتاب، تهیه برنامه‌های آموزشی محلی، ترویج کتابخانه به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها و حتی حمایت از مبارزه علیه بی‌سوادی برای توسعه صنعت کتاب در دستور کار قرار گرفت (Laugesen. 2010: 170).

گسترش شعبات مؤسسه فرانکلین در کشورهای در حال توسعه

پس از استقرار مؤسسه فرانکلین نیویورک و مشخص شدن سازوکار آن، برنامه‌ی بعدی گسترش میزان فعالیت در کشورهای در حال توسعه بود. بدین منظور می‌بایست شعباتی از این مؤسسه در این کشورها تأسیس می‌شد تا بتواند به نحو مطلوبی اهداف برنامه‌ریزی شده‌ی این مؤسسه را پیش ببرد. بدین منظور منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی زبان به‌عنوان اولین مقصد فرانکلین انتخاب شدند. دلیل این توجه، افزایش رقابت‌های جنگ سرد در این منطقه بود که موجب دخالت سیاسی آمریکا در خاورمیانه و سپس پیاده کردن برنامه‌های فرهنگی خود بود (New York Times Book Review, column 1, 6 July 1952, 8). در نخستین اقدام، چند تن از اعضای مؤسسه فرانکلین به خاورمیانه سفر کردند تا شرایطی را برای آغاز فعالیت‌های خود مهیا کنند. دن لسی^۱، مدیر خدمات مرکز اطلاع‌رسانی IIA، به رئیس مؤسسه، داتوس اسمیت، در مورد تبلیغات مؤثرتر در خاورمیانه و جهان عرب توصیه کرد، بر دوستی مداوم و علاقه آمریکایی‌ها به جهان عرب و آگاهی از حقوق اعراب در مجادلاتشان تأکید کنند (Archive document 78, 13 December 2002, National Security).

در سال ۱۹۵۳م اولین دفتر فرانکلین در قاهره تأسیس شد و شروع به کار کرد. حسن آروسی^۲ به‌عنوان رئیس این شعبه انتخاب شد و کار ترجمه آثار آمریکایی را آغاز کرد

^۱. Dan Lacy

^۲. Hassan Arousy

(<https://findingaids.princeton.edu>). بغداد شعبه بعدی فرانکلین در منطقه خاورمیانه بود که دفتری از فرانکلین را تأسیس کرد (Robbins. 2007: 644). به زودی دفاتر دیگر منطقه‌ای فرانکلین در خاورمیانه در ایران (تهران و تبریز)، پاکستان (لاهور)، افغانستان (کابل)، لبنان (بیروت) تأسیس شد و سپس دفاتر دیگری در اقصی نقاط جهان از جمله بنگلادش (داکا)، و اندونزی (جاکارتا) مالزی (کوالالامپور)، نیجریه (لاگوس، انوگو و کادونا) آرژانتین (بوینس آیرس) و برزیل (ریودوژانیرو و سائوپائولو) ایجاد شدند (Smith. 1989: 53).

کتاب‌هایی که با حمایت فرانکلین منتشر شدند به زبان‌های عربی، فارسی، اردو، بنگالی، مالایی و اندونزیایی، اسپانیایی، پرتغالی، انگلیسی، یوروبا، هسا و ایگبو بودند (Hadadian - moghadam. 2016: 5).

تأکید بر استفاده از نخبگان محلی و نیروهای بومی

مؤسسه فرانکلین برای اینکه بتواند برنامه‌های خود را توسط شعبه‌هایش به شکل مطلوب‌تری پیش ببرد، به «عنصر بومی» کشورها توجه ویژه‌ای کرد. سیاست‌گذاران فرانکلین نیویورک تأکید داشتند که عناوین ترجمه باید توسط مردم در کشور محلی انتخاب شود، البته از فهرستی از عناوین پیشنهادی که توسط آنها نمایش داده شده بود. دفتر نیویورک برای اینکه مردم محلی را به اندازه کافی به کار بگیرد، معمولاً پنجاه تا صد کتاب را در یک زمینه خاص ارسال می‌کرد. سپس دفتر محلی فرانکلین عناوین منتخب را به فرانکلین نیویورک ارسال می‌کرد و به متخصصانی در این زمینه‌ها سفارش می‌داد (Smith. 1983: 259).

تأکید بعدی فرانکلین استفاده از اعضای نخبگان و متنفذان محلی همچون روشنفکران، معلمان، وزیران کابینه، قاضیان، حتی ژنرال‌ها برای ترجمه یا ویرایش کتاب‌ها بود. «فرانکلین به‌جای استفاده از دانشجویان فارغ‌التحصیل و ساکنان سخت‌گیر خیابان گراب (مانند کسانی که به‌طور سنتی برای پروژه‌های ترجمه استخدام می‌شدند)، وزیران کابینه، رؤسای دانشگاه‌ها، روزنامه‌نگاران برجسته و شاعران، دانشمندان و مهندسان برجسته را درگیر کرد. فرانکلین حتی سعی می‌کرد از مخالفان و همچنین افراد مستقر برای تعیین وظایف ترجمه استفاده کند» (Ibid: 258). همچنین واگذاری کلیه اقدامات چاپ و نشر کتاب از جمله چاپ و نشر، صفحه‌آرایی، ویراستاری، توزیع، فروشندگی و غیره به افراد محلی که آموزش‌های لازم در این زمینه از جانب فرانکلین دیده بودند، مورد توجه بود (Robbins. 2007: 643).

اسمیت در خصوص نقش نیروهای محلی در اداره شعبات فرانکلین می‌نویسد: «۱- دفاتر فعال به‌طور کامل توسط شهروندان محلی فعالیت می‌کردند و هیچ آمریکایی در آنجا مشغول به کار نبود؛ ۲- همه تصمیمات در مورد چگونگی انتشار آثار توسط مردم محلی اتخاذ می‌شد؛ ۳- فرانکلین خود ناشر نبود، اما به سازمان‌های محلی و شرکت‌ها کمک کرد؛ ۴- اگرچه فرانکلین کمک مالی (مخصوصاً در پرداخت حقوق ترجمه و کار ترجمه) به عمل می‌آورد، اما ناشران خود باید حق امتیاز را پرداخت کنند» (Smith. Encyclopædia Iranica. online edition, 2012). این برنامه فرانکلین بسیار مهم و پیچیده بود، با این اقدام علاوه بر اینکه از حساسیت‌های ضدآمریکایی در کشورهای در حال توسعه کم می‌کرد، با دست گذاشتن بر روی مفهوم توسعه، تعداد زیادی از روشنفکران، سیاستمداران و به‌طور کلی آنچه «نخبگان محلی» نامیده می‌شوند را بر حول خود گرد می‌آورد. به بیان دیگر فرانکلین با اتخاذ «سیاست بومی» و ارتباط با «نخبگان محلی» به راحتی می‌توانست به عرصه «جامعه مدنی» وارد شود.

مؤسسه فرانکلین تهران

در نوامبر سال ۱۹۵۳، یکسال پس از تأسیس اولین مؤسسه انتشارات فرانکلین در قاهره، داتوس اسمیت با همراهی دو عضو دیگر هیئت‌مدیره، به منظور بررسی امکانات تأسیس شعبه‌ای از مؤسسه انتشارات فرانکلین در ایران، وارد تهران شدند و با همایون صنعتی‌زاده ملاقات کردند. صنعتی‌زاده جوانی فعال و پر شور، از یک خانواده شناخته شده کرمانی بود. کودکی‌اش در پرورشگاه خانوادگی‌شان در کرمان در کنار پدربزرگش علی‌اکبر خان صنعتی (معروف به کر) گذشت. در دوره نوجوانی به تهران آمد و در دبیرستان (کالج) البرز درس خواند و پس از اخذ دیپلم، به واسطه پدرش وارد بازار شد. تجربه مشاغل مختلف در بازار، از قبیل کار در فرش فروشی، جواهر فروشی و کتابفروشی از وی شخصیتی بازاری و مقتصد ساخت (افشار، ۱۳۸۸: ۴-۳). عضویت وی در حزب توده و برقراری ارتباط نزدیک با کامبخش به مدت چهار سال، نیز آغاز فعالیت‌های سیاسی او بود، اما به دلیل انتقاداتی که به حزب داشت، از آن جدا شد و فعالیت‌های سیاسی را نیز کنار گذاشت و به امور اقتصادی دل بست. صنعتی‌زاده در زمینه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به سرعت پیشرفت کرد و پس از مدتی توانست تجارخانه‌ای تأسیس کند و با خارجی‌ها ارتباط برقرار نماید. آشنایی او با زبان روسی و انگلیسی از طریق همین داد و ستدها بود (همان: ۴). گرچه او به امور فرهنگی و خصوصاً مسائل تاریخ و فرهنگ ایران دلبستگی داشت، اما وجوه اقتصادی هر کار برای

وی اولویت تام داشت و همه چیز را با قصد درآمدزایی می‌سنجید؛ بنابراین وقتی در ارتباط با نمایندگان فرانکلین قرار گرفت، وجه اقتصادی کار با یک شریک خارجی برایش مطرح بود.

انتخاب صنعتی زاده تازه کار برای تأسیس شعبه‌ای از فرانکلین بسیار جالب و درعین حال غیرطبیعی بود. صنعتی زاده خود در خاطراتش بیان می‌کند، زمانی که با فرد آمریکایی در نمایشگاه نقاشی مشغول صحبت بوده به وی گفته است «من از این کار سر رشته ندارم. بلد نیستم. گفت علت اینکه شما را انتخاب کردیم همین است که بلد نیستید. گفتم یعنی چه؟ گفت اگر این کار را بلد بودی، ما می‌بایست دو سه سال وقت صرف می‌کردیم که این راه غلط چاپ و نشر را که اینجا هست از کله‌ات بیرون کنیم» (علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۹۴-۹۳). این مسئله گواه این است که اسمیت و دیگر نمایندگان فرانکلین، برای تأسیس شعبه این مؤسسه ترجیح می‌دادند که از افراد جوان، مستعد و درعین حال کمتر شناخته شده‌ای استفاده کنند که در کارنامه خود سوابقی دال بر همکاری با آمریکایی‌ها نداشته باشند و این گونه موجب حساسیت در جامعه و در بین سیاستمداران نشوند. چنانچه اسمیت خود بعدها به علی‌اصغر مهاجر (رئیس بعدی فرانکلین تهران) گفته بود که افراد زیادی از جمله شجاع‌الدین شفا و حسین کاظم‌زاده داوطلب نمایندگی فرانکلین بودند، اما آنان برای این کار مناسب تشخیص داده نشدند (همان: ۲۰۵). این مسئله نمایانگر آن است که در القای «هژمونی» به «جامعه مدنی» به شکل بی‌سر و صداتری عمل می‌شود. استفاده از «نخبگان محلی» روشی برای ارتباط با فضای عمومی جامعه و در گام بعد ارتباط با دیگر نیروهای نخبه محلی و روشنفکران بود.

در اواخر سال ۱۳۳۲ش مؤسسه فرانکلین در تهران و ۵ سال بعد شعبه‌ای از آن در تبریز تأسیس شد. این مؤسسه کار خود را با ۳ کارمند آغاز کرد (یادگار، ۱۳۵۸: ۷)؛ اما ظاهراً فعالیت‌های این مؤسسه تا سال ۱۳۳۸ش چندان گسترش نیافت (آل احمد، ۱۳۴۲: ۸۰). فرانکلین در گام نخست، به‌عنوان یک مؤسسه چاپ و نشر (نه ناشر) فعالیت خود را آغاز کرد و برنامه‌اش پیدا کردن مترجم برای کتاب‌های آمریکایی و سپردن آن به ناشران ایرانی بود. در حقیقت این مؤسسه به‌عنوان یک واسطه آغاز به کار کرد. کتاب‌هایی که برای ترجمه انتخاب می‌شدند هم در ابتدا کاملاً به انتخاب خود آمریکایی‌ها بود و مؤسسه فرانکلین در انتخاب آنها نقشی نداشت (امامی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). جلال آل‌احمد در خصوص نحوه کار مؤسسه فرانکلین تهران اعتقاد داشت که «کار این مؤسسه در اصل ترجمه و طبع و انتشار کتاب‌های آمریکایی به قیمت ارزان بوده است تا در ممالکی مثل ایران در مقابل ادبیات

ارزان قیمت روس مطبوعات دیگری هم برای خریدن و خواندن وجود داشته باشد» (آل احمد، ۱۳۴۲: ۸۰).

در دهه ۴۰ شمسی مؤسسه فرانکلین سیستم بوروکراسی منسجم و گسترده‌ای پیدا کرد و کارمندان بیشتری را جذب نمود و به‌طور تخصصی در سایر حوزه‌های چاپ و نشر نیز ورود پیدا کرد. در خصوص دلایل توسعه این مؤسسه باید گفت، بدون شک شخصیت مستعد صنعتی‌زاده در این پیشرفت نقش پررنگی داشته است، اما فارغ از این نکته، باید به تغییر شرایط و رویه سیاست فرهنگی آمریکا در دوره جنگ سرد نیز توجه جدی داشت، مسئله‌ای که غالباً از نظر گاه محققین ایرانی مغفول مانده و آن را یا در جهت نبوغ صنعتی‌زاده و یا با نگاه‌های ملی‌گرایانه، گامی در استقلال فرانکلین تهران از نیویورک می‌دانند. سیاست فرهنگی ایالات‌متحده آمریکا از اواخر دهه ۵۰ میلادی که از آن به‌عنوان دوران پسا مکارتیستی یاد می‌شود و خصوصاً با آغاز دوران کندی در دهه ۶۰ میلادی، به‌جای تمرکز بر سیاست‌های تنش‌آمیز فرهنگی، سیاستی دموکراتیک و غیرمستقیم می‌شود که تأسیس و گسترش فعالیت‌های مؤسسات خصوصی و عام‌المنفعه آمریکایی نیز در همین راستا است. فضای ناسیونالیستی و ضد امپریالیستی جهانی نیز در اتخاذ این رویکرد مؤثر بود. با اتخاذ این سیاست، به‌جای ترویج مستقیم فرهنگ آمریکایی در کشورهای درحال توسعه و انتقاد صریح از شوروی، سیاست آزادتری اعمال می‌شود و آن ترویج ارزش‌های جهان سرمایه‌داری و لیبرال است که طبیعتاً روش‌های دموکراتیک‌تری را نیز با خود به همراه دارد. با این رویکرد، به‌جای ترجمه آثار مانیفست‌گونه‌ی سرمایه‌داری و جنگ‌های تبلیغاتی عیان، اشاعه فرهنگ به شکل ناملموس و غیرمستقیم صورت می‌گیرد؛ بنابراین، مؤسسات آمریکایی و به‌طور خاص فرانکلین، سیاست اشاعه ترجمه کتب آمریکایی را تعدیل می‌کنند و به سیاست اشاعه فرهنگ و هژمونی سرمایه‌داری، آن‌هم به شکلی کاملاً غیرمستقیم و دموکراتیک می‌پردازند. این امر را می‌توان در تغییر رویکرد کلان مؤسسه فرانکلین مادر (نیویورک) از ترویج مستقیم جهان آمریکایی از طریق ترجمه به رویکرد هژمونیک که بر توسعه آموزشی، توسعه کتابخانه‌ها، برنامه‌های سوادآموزی، ایجاد دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها، تهیه کتاب‌های درسی، برگزاری سمینارهای آموزشی در زمینه انتشار کتاب و کارگاه‌های نویسندگان و کمک‌های فنی در چاپ، انتشار و فروش کتاب تأکید داشت، ملاحظه کرد. متناسب با این تحول رویکردی، یک تغییر نام نیز به وجود آمد و فرانکلین نیویورک از «انتشارات

فرانکلین»^۱ به «برنامه‌های کتاب فرانکلین»^۲ تغییر نام داد و سعی کرد از فعالیت‌های تجاری خود بکاهد و به جای اینکه به رقیبی برای ناشران دربیاید، به امور عملیاتی و خدماتی بپردازد (<https://findingaids.princeton.edu>).

تغییر رویه فرانکلین در شعبه تهران نیز کاملاً مشهود بود. از اواخر دهه ۳۰ و سراسر دهه ۴۰ شمسی حوزه فعالیت‌های این شعبه گسترش عجیبی پیدا کرد. ترجمه کتاب‌ها و آن‌هم صرفاً آثار آمریکایی که جزو وظایف نخستین این مؤسسه بود، کنار رفت و به زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلفی توجه نشان داده شد، ارتباط صرف با ناشران گسترش پیدا کرد و وجوه بارزتری گرفت. در گزارش‌های ساواک در دهه ۴۰ شمسی نیز به گسترش حجم فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین اشاره شده است. در یکی از این گزارش‌های آمده است: «شعبه بنگاه فرانکلین در ایران بر طبق نظر و دستور بنگاه واقع در نیویورک قصد دارد به مقدار وسیع و سریع کتاب‌هایی را چاپ و در معرض فروش قرار دهد و برای این عمل جاکتابی‌های مخصوصی تهیه نموده و می‌خواهند آن را در اختیار روزنامه‌فروشی‌ها، سلمانی‌ها، سالن‌های انتظار آرایشگاه‌ها، گرمابه‌های عمومی، کافه رستوران‌ها، عطاری‌ها، بقالی‌ها و در آتیه در مغازه‌های خواروبار فروشی دهات گذارده و کتاب‌های چاپ شده را به فروش برسانند» (سند شماره ۲۱، ۲۰۰۷-۱-۱، اسناد وزارت اطلاعات). این گزارش حکایت از شکل‌گیری رویه‌ای دارد که موجب ارتباط وسیع مؤسسه فرانکلین با جامعه مدنی ایران می‌شد. از این پس می‌بایست سیاست‌های مؤسسه فرانکلین تهران را در چارچوب رویکردی هژمونیک قرائت کرد. فعالیت‌های «گسترده‌تر»، «غیر ایدئولوژیک‌تر»، «دموکراتیک‌تر»، با «حساسیت‌زایی کمتر». سیاستی که بر هژمونی و جامعه مدنی تأکید داشت و فراتر از رقابتی دیالکتیکی با شوروی عمل می‌کرد. در همین راستا، مؤسسه فرانکلین تهران با برخی از توده‌ای‌های سابق همچون نجف دریابندری، عبدالوهاب گله‌داری و دکتر محمد اسلامی همکاری‌هایی را آغاز نمود که برای ساواک که این فعالیت‌ها را تحت نظر داشت، امری عجیب و مشکوک بود (سند شماره ۸۸، ۲۰۰۷-۱-۱، اسناد وزارت اطلاعات).

با تغییر رویکرد فرانکلین در حوزه ترجمه و گسترش فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین به سطوح دیگر فرهنگی، این مؤسسه به یک شرکت بزرگ تجاری نیز تبدیل شد و طرح‌های مختلف فرهنگی - اقتصادی را به اجرا درآورد که خود در راستای اهداف ایالات متحده آمریکا در اشاعه ارزش‌های جهان آمریکایی و سرمایه‌داری بود. این مسئله موجب کسب

1. Franklin publication

2. Franklin Book Programs

درآمد بالا فرانکلین تهران شد و این شعبه را به همراه فرانکلین قاهره، به پربازده‌ترین شعبه مؤسسه فرانکلین در جهان تبدیل کرد. فرانکلین تهران که با بودجه‌ای ماهیانه ۲۰۰۰ دلار، در سال ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م آغاز به کار کرده بود (یادگار، ۱۳۵۸: ۷) و در سال ۱۳۳۳ش/۱۹۵۴م با یک دفتر و هفت نیرو درآمد ۳۱.۲۹۱ دلار در سال داشت؛ در سال ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰ با داشتن ۱۵۱ کارمند، درآمدی بالغ بر ۵،۹۲۰،۶۱۲ دلار در سال را کسب کرد (Hadadian- moghadam, 2016: 15). این مؤسسه در سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م، با داشتن ۲۰۰ کارمند تمام‌وقت درآمد سالانه‌ای معادل ۶۶۰،۰۰۰ دلار داشت (یادگار، ۱۳۵۸: ۷). با انحلال فرانکلین تهران در سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۷م دارایی این مؤسسه ۱۰ میلیون دلار بود که رقمی قابل توجه به حساب می‌آمد (Smith. Encyclopædia Iranica. online edition, 2012).

برنامه‌های مؤسسه فرانکلین تهران

مؤسسه فرانکلین تهران در دوره بیست و چهار ساله فعالیت خود، برنامه‌های متعددی را به انجام رساند. گرچه این مؤسسه ابتدا با اهداف کتاب محور آغاز به کار کرد و ترجمه کتاب‌های آمریکایی را اساس کار خود قرار داد، اما با تغییر رویکرد فعالیت این مؤسسه و گسترش حوزه‌ی آن به اموری فراتر از ترجمه و چاپ کتاب، برنامه‌های آن نیز متنوع شد. به‌طور کلی برنامه‌های مؤسسه فرانکلین تهران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

- ترجمه و تألیف حدود هشتصد و پنجاه عنوان کتاب از زبان‌های مختلف به فارسی (حدود پنج میلیون نسخه)؛
- تأسیس دفتر دائره‌المعارف فارسی و انتشار جلد اول آن؛
- تأسیس شرکت افست؛
- تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران و تربیت کادر فنی برای تألیف متون جدید کتاب‌های درسی؛
- مباشرت در طبع و نشر کتاب‌های پنج سال ابتدایی؛
- تغذیه پانصد کتابخانه مدارس دولتی با وزارت آموزش و پرورش؛
- تأسیس شرکت‌های سهامی کتاب‌های جیبی؛
- تأسیس مرکز مشترک مجله‌های پیک؛
- تألیف و طبع و نشر چهل و هشت کتاب تمرین برای تکمیل کتاب‌های درسی پنج کلاس ابتدایی؛

- تألیف و طبع و نشر حدود هشتاد عنوان کتاب درسی برای دانشسراهای مقدماتی و مؤسسات تربیت معلم؛
 - تهیه گزارش‌های مقدماتی و توجیهی برای تأسیس شرکت سهامی کاغذ پارس؛
 - تهیه و طبع و نشر نخستین دائرةالمعارف هجده جلدی برای کودکان و نوجوانان؛
 - تهیه و طبع و نشر بیش از ده نوع کتاب‌های مرجع از قبیل اصطلاحات علمی و غیره؛
 - تأسیس دفتر لغت‌نامه و سپس کمک به تأسیس بنیاد فرهنگ ایران بر اساس سازمان همین دفتر؛
 - کمک به تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛
 - تهیه طرح مبارزه با بی‌سوادی برای بزرگسالان و تأسیس پروژه پیشاهنگ آن در شهرستان قزوین؛
 - طبع و نشر تمامی کتاب‌های درسی کشور افغانستان به مدت هفت سال؛
 - تألیف و طبع و نشر تمامی کتاب‌های مبارزه با بی‌سوادی در سه سال اول؛
 - تألیف و طبع و نشر تمامی کتاب‌های سپاهیان دانش در پنج سال اول؛
 - ترجمه نمانکلاتور (شرح تعرفه‌های گمرکی) بین‌المللی برای وزارت دارایی؛
 - تأسیس مرکز تکنولوژی آموزشی برای تهیه فیلم و اسلاید آموزشی؛ (یادگار، ۱۳۵۸: ۸).
 - همکاری با کمیسیون ملی یونسکو در ایران در انتشار کتاب و نشریه؛
 - همکاری علمی و فنی با شماری از کتابخانه‌های بزرگ کشور؛
 - شرکت دادن شماری از ناشران در نشست‌های بین‌المللی ناشران؛
 - همکاری با شورای کتاب کودک؛
 - همکاری با رادیو و تلویزیون ملی؛
 - اعزام تنی چند به خارج برای ادامه تحصیل، کارآموزی و کارورزی در مؤسسات مختلف: آشنایی با طرز کار چاپخانه‌ها، صحافی، روش‌های پخش، تبلیغ، عرضه و فروش کتاب؛
 - اعزام کارشناسی و مشاور به کشورهایی که خواهان آشنایی با تجربه‌های فرانکلین ایران بودند (آذرنگ، ۱۳۹۶: ۶۲۵-۶۲۳).
- برنامه‌های مؤسسه فرانکلین چیزی جز افزایش ارزش‌های جهان سرمایه‌داری در کشوری درحال توسعه نبود. این برنامه با ترجمه آغاز شد و به نحوی پیشرفت کرد که به سایر

حوزه‌های چاپ و نشر و فرهنگ ایران نیز کشیده شد و مؤسسه فرانکلین به‌عنوان یک ابزار آمریکایی در جهت پروپاگانداى جهان سرمایه‌داری و هژمونی آمریکایی ایفای نقش نمود.

تغییرات در مؤسسه فرانکلین تهران و آغاز دوره زوال

متناسب با اتخاذ رویکرد جدید فرانکلین مادر، این مؤسسه چه در تهران و چه در شعبات دیگر، به سمت فعالیت‌های آموزشی و عملیاتی سوق داده شد. در همین راستا، در سال ۱۳۴۷ش در مؤسسه فرانکلین تهران تغییر مدیریتی به وجود آمد و صنعتی‌زاده با پذیرفتن مدیرعاملی کارخانه کاغذ پارس، از ریاست این مؤسسه کناره‌گیری کرد و علی‌اصغر مهاجر جایگزین وی شد (بیات، ۱۳۷۴: ۶۲). این تغییر بسیار عجیب و نابه‌هنگام بود. به نظر، تغییر صنعتی‌زاده را به‌جز نارضایتی وی از فرانکلین مادر، می‌بایست در اتخاذ استراتژی کلان‌تر این مؤسسه نیز جستجو کرد. انتخاب مهاجر به‌عنوان رئیس شعبه تهران نیز در راستای کاستن از فعالیت‌های تجاری این مؤسسه بوده که چندان با روحیه و شخصیت صنعتی‌زاده مطابقت نداشته است. به‌رحال مؤسسه فرانکلین نیویورک با این تغییر موافق بود و در وکالتنامه‌ای، علی‌اصغر مهاجر را به‌عنوان رئیس شعبه فرانکلین تهران تأیید کرد (سند شماره‌های ۳۰-۲۵، شماره بازیابی ۸۶۱۰، مرکز اسناد انقلاب اسلامی). مهاجر نیز شرح وظایف جدیدی برای مؤسسه فرانکلین تعریف کرد و در سال ۱۳۵۳ش، اساسنامه «سازمان خدمات آموزشی فرانکلین» را به تصویب هیئت‌مدیره مؤسسه انتشارات فرانکلین رساند که سازمانی خدماتی بود و در راستای برنامه‌های کلان مؤسسه مادر قرار داشت.

در دوره مدیریت مهاجر، به‌تدریج از حجم فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین کاسته شد که این مسئله با افول فرانکلین نیویورک نیز موازی بود. در درون جامعه ایران نیز حساسیت‌هایی در خصوص فعالیت‌های مؤسسه فرانکلین به وجود آمده بود و ماجرای چاپ کتب درسی، مشکلات حسابداری و گردش مالی مؤسسه صدای مخالفان و منتقدان فرانکلین را درآورده بود، به‌طوری‌که وزارت فرهنگ نیز متهم به همکاری با این مؤسسه شد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازیابی، ۶۴۸۰۷)؛ بنابراین مؤسسه فرانکلین درصدد کاستن از حجم فعالیت‌های خود بود. عبدالحسین آذرنگ که در این زمان به‌عنوان ویراستار در مؤسسه فرانکلین مشغول به کار بود، در این خصوص می‌گوید: «در بهار ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م روزی به دعوت علی‌اصغر مهاجر، همه ویراستاران آن مؤسسه که زیر نظر کریم امامی کار می‌کردند به نشستی دعوت شدند. مهاجر در آن نشست حرف عجیبی با این مضمون زد که امکانی برای فعالیت وجود ندارد و قرار است نیروهای فرانکلین به دانشگاه آزاد به ریاست دکتر

عبدالرحیم اسدی منتقل شوند» (آذرننگ، ۱۳۹۶: ۶۲۷). از این زمان، فرانکلین تهران شروع به واگذاری امتیازات و زیرمجموعه‌های خود کرد. عبدالرحیم جعفری یکی از افرادی بود که بخشی از امتیازات فرانکلین را خرید.

در سال ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶م خانم ماریانا گورسکی آمریکایی لهستانی تبار از سوی فرانکلین نیویورک به تهران آمد تا درباره شاخه تهران گزارشی جامع تهیه کند. مهاجر طبق دستور مؤسسه مرکزی نیویورک، شروع به فروش و واگذاری بعضی از اموال و امتیازات مؤسسه فرانکلین از جمله امتیاز کتاب‌ها و سرفلی فروشگاه‌های شرکت کتاب‌های جیبی و امتیاز دائره‌المعارف فارسی که نیمه‌کاره مانده بود، کرد. در شهریور ۱۳۵۶ (سپتامبر ۱۹۷۷) نیز به موجب سندی که از طرف مقامات ایالات متحده آمریکا تأیید گردید و به ثبت رسید، مقرر شد که کلیه دارایی‌ها، تعهدات، طرح‌ها و برنامه‌های فرانکلین تهران به یک مؤسسه جدید و مستقل ایرانی به نام سازمان آموزشی نومرز منتقل گردد؛ بنابراین از تاریخ ۵ بهمن ۱۳۵۶/۲۵ ژانویه ۱۹۷۸ سازمان آموزش نومرز عهده‌دار وظایف گذشته فرانکلین گردید (یادگار، ۱۳۵۸: ۶۲).

سازمان آموزشی نومرز طی یک اعلان عمومی در روزنامه رستاخیز، بیانیه‌ای را که داتوس اسمیت رئیس مرکز نیویورک در روزنامه کیهان اینترنشنال منتشر کرده بود را آورد. اسمیت پس از ذکر بیان مختصری از فعالیت‌های فرانکلین تهران و انتقال مؤسسه متبوع خود به سازمان آموزشی نومرز را اعلام نمود (روزنامه رستاخیز، ش ۹۱۴، سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷: ۱۵). در پایان این بیانیه، رئیس سازمان آموزشی نومرز متنی را آورده بود و در آن ذکر کرده بود که «اینک لازم می‌داند به اطلاع عموم برساند که سازمان آموزشی نومرز که تحت شماره ۱۷۵۵ در اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت شاهنشاهی عهده‌دار وظایف گذشته فرانکلین تهران گردید و سازمانی به نام فرانکلین تهران وجود ندارد» (همان: ۱۵).

با افزایش یافتن تب اعتراضات مردمی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ایران، چند روز پیش از سفر جیمی کارتر به ایران^۱، در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۷ (۱ دی ۱۳۵۶) مؤسسه فرانکلین به‌عنوان یکی از مظاهر آمریکایی در کنار چند مؤسسه فرهنگی دیگر از جمله انجمن ایران و آمریکا، مورد حمله تعدادی از دانشجویان قرار گرفت (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۴۹۳، پنجشنبه ۱ دی ۱۳۵۶: ۳). وزارت امور خارجه ایران انگیزه این حملات را نامشخص دانست (Document 136, National Security Archive)، اما کاملاً مبرهن بود که این امر نشانی

۱. کارتر در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ (۱۰ دی ۱۳۵۶) به مدت یک هفته در ایران اقامت کرد.

از پایان کار فرانکلین در کشورهای در حال توسعه داشت. با انحلال فرانکلین، کارمندان آن نیز پراکنده شدند، علاوه بر اینکه تعدادی در سازمان آموزشی نومرز مشغول به کار شدند، تعداد دیگری از کارمندان آن نیز به طرح مرکز تکنولوژی آموزشی و مرکز انتشارات آموزشی (دانشگاه آزاد) پیوستند. این طرح از سال ۱۳۵۴ش میان مقامات دانشگاه آزاد و مؤسسه فرانکلین تهران آغاز شده بود و قرار بود که این مؤسسه تجربیات خود در امور چاپ و نشر، ویرایش، تولید جزوه و کتاب‌های دانشگاهی را به این مرکز آموزشی تازه تأسیس منتقل کند. پس از انحلال فرانکلین، ویراستاران این مؤسسه اعضای اولیه این سازمان شدند. این سازمان بعدها توانست تعدادی از متخصصین مورد نیاز دانشگاه را تأمین کند و عده‌ای از گرافیست‌های فرانکلین نیز به استخدام این سازمان درآمدند (یادگار، ۱۳۵۸: ۱۲). تعدادی دیگر از کارمندان فرانکلین نیز به مؤسسه انتشاراتی جدیدی به نام دانش نو که تحت نظارت حمید عنایت و فردی آمریکایی به نام جان نیوتن تأسیس شده بود، منتقل شدند (آذرننگ، ۱۳۹۶: ۶۳۰).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن دولت موقت مهندس بازرگان، به موجب حکم رسمی شماره ۲۵۸۲ در تاریخ ۷ اسفندماه ۱۳۵۷، علی موسوی گرمارودی شاعر و نویسنده مطبوعات به سرپرستی انتشارات نومرز منسوب شد و این سازمان به نام «سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی» تغییر یافت و سپس تحت مدیریت محمدی اردهالی فعالیت کرد تا آنکه در اواخر دهه ۶۰ شمسی با ادغام در تشکیلات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، از صورت یک مؤسسه مستقل خارج شد و بالاخره از آغاز سال ۱۳۷۳ش نیز تحت عنوان مرکز انتشارات علمی و فرهنگی با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام گردید (بیات، ۱۳۷۴: ۶۲).

در خصوص انحلال فرانکلین، نظرات متفاوتی ابراز شده است، اکثر قریب به اتفاق کارمندان این مؤسسه، دلیل انحلال را در مدیریت این مؤسسه جستجو می‌کنند و بر آن هستند که چون صنعتی زاده با استعداد کنار زده شد و مهاجر نالایق مدیر فرانکلین شد، این مؤسسه به زوال رفت. طبق نظر این دسته، اکثر کارهای مهم مؤسسه فرانکلین در زمان مدیریت صنعتی زاده انجام و یا آغاز شده بود و تنها پروژه دانشگاه آزاد جزو برنامه‌های زمان مهاجر بود. اگرچه ضعف مدیریتی در ادامه کار این مؤسسه بی‌تأثیر نبود، اما از این نکته نیز نباید غافل شد که در میان کارمندان فرانکلین، عداوت شدیدی با مهاجر دیده می‌شود و تا به امروز نیز در اذهان آنان باقی مانده و برای یک تحلیل مناسب‌تر برای انحلال فرانکلین می‌بایست به این نکته التفات داشت.

برخی دیگر معتقدند که مسائل مالی و شکست برخی از پروژه‌ها موجب تضعیف این مؤسسه شد «در سال ۱۳۵۵ش به علت نارسایی‌هایی که در امر توزیع کتاب‌های درسی، بین وزارت آموزش و پرورش و مؤسسه فرانکلین اختلاف‌هایی ایجاد شد و فرانکلین با کناره‌گیری از این کار مهم‌ترین منبع مالی خود را از دست داد. در همین ایام نابه‌سامانی‌های مؤسسه در امر تولید نشریات پیک و دیگر نشریات مربوط به مرکز انتشارات آموزشی تأثیر نهاد و به قطع رابطه آن مرکز با فرانکلین منجر شد. سازمان کتاب‌های جیبی نیز در همین سال و در ادامه همین مسیر به انتشارات امیرکبیر فروخته شد» (همان: ۶۲). طرح بحث مالی نیز که با مسئله ضعف مدیریتی ارتباط پیدا می‌کند، نمی‌تواند دلیل چندان مناسبی باشد؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد، وضعیت مالی فرانکلین در دهه ۵۰ شمسی بسیار مساعد و خوب بوده است. فرانکلین تهران در زمان انحلال بالغ بر ۱۰ میلیون دلار دارایی داشت، این در حالی بود که شعبه مادر در نیویورک تنها ۸۰۰۰ دلار سرمایه داشته است (Smith. Encyclopædia Iranica. online edition, 2012). بنابراین نمی‌توان گفت که این مؤسسه دچار بحران مالی شده بود.

پاسخ به علت انحلال فرانکلین تهران را باید همانند پاسخ به چرایی تأسیس این مؤسسه بیان کرد. آغاز برنامه کتاب فرانکلین در جهان با توجه به شرایط خاص دوران جنگ سرد و آغاز برنامه‌های فرهنگی ایالات متحده آمریکا برای مقابله با شوروی در کشورهای در حال توسعه بود. سیاستی که با تغییر رویکرد از اواخر دهه ۶۰ میلادی، به دنبال هژمونیک کردن قدرت جهان سرمایه‌داری و نماینده آن ایالات متحده بود و دیگر در سیاست‌هایش به شکل مستقیم و سرکوبگرانه عمل نمی‌کرد. فرانکلین حاصل دورانی از سیاست خارجی ایالات متحده بود که روشی غیرمستقیم و دموکراتیک با شعار آزادی و توسعه کشورهای جهان سوم داشت. این مؤسسه با پرهیز از دادن رنگ و لعاب سیاسی به فعالیت‌های خود، سبب شد که با نزدیک شدن به پایان دهه ۱۹۵۰، در کشورهایی که دارای نمایندگی بود، جایگاه خوبی به دست آورد. در مجموع از بیست و یک تغییر دولت در این کشورها جان سالم به در برد. این افتخار را داشت که در هیچ مشارکت و مداخله سیاسی ملی یا بین‌المللی حضور نداشته و تنها به رشد فکری و اقتصادی کشورهای در حال توسعه کمک کرده بود (Mokia. 1995:48). این مسئله موجب می‌شد که در اوج جریان‌های ضد امپریالیستی در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان، در دهه ۶۰ میلادی، فرانکلین حساسیت زیادی را در این مناطق برنینگیزد.

با رخدادهایی که در عرصه بین‌المللی در دهه ۷۰ میلادی به وجود آمد و توافق‌هایی که میان دو طرف جنگ سرد در این دهه صورت گرفت که به دوران «تنش‌زدایی» یا «یخ‌شکنی» معروف شد، از حجم رقابت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کاسته شد و به‌نوعی جایگاه آمریکا تثبیت گردید. در چنین فضایی، وجود مؤسسه‌ای چون فرانکلین که حاصل سیاست‌های قبلی بود، ضرورتی نداشت؛ بنابراین تغییر سیاست‌های استراتژیک آمریکا مهم‌ترین دلیل انحلال فرانکلین بود. به همین خاطر هیچ جای تعجبی وجود نداشت که شعبه‌های کم‌اهمیت‌تر فرانکلین در آغاز دهه ۷۰ و دو شعبه مهم آن یعنی قاهره و تهران در سال ۱۹۷۷م منحل شدند. کسانی همچون فیلیستروپ، یادگار و امامی که انحلال فرانکلین تهران را امری مجزا از شرایط حاکم بر فضای بین‌الملل می‌دانند، به این نکته توجه ندارند که دفتر اصلی این مؤسسه در همین سال به‌طور کامل منحل شد. این خود دلیل دیگری بر مدعای نگارنده در خصوص انحلال برنامه فرانکلین در شرایط جدید سیاست خارجی ایالات متحده است.

ارزیابی و تحلیل کتاب‌های چاپ شده فرانکلین تهران

مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران در ۲۴ سال فعالیت خود، تعداد ۸۵۰ عنوان کتاب را به چاپ رساند که با عناوین چاپ مجدد به ۱۱۵۴ عنوان رسید. از این تعداد ۷۹۹ عنوان ترجمه از زبان‌های مختلف و ۵۱ عنوان تألیف به زبان فارسی بوده است. این مؤسسه، از سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰م تعداد ۶۱۹ عنوان را منتشر کرد. بیشترین میزان چاپ سالیانه در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱م بود که ۱۳۵ عنوان کتاب به چاپ رسید. با آغاز دهه ۷۰ میلادی، فعالیت‌های این مؤسسه نیز کاهش یافت. از سال ۱۹۷۰م تا پایان سال ۱۹۷۴م، ۱۷۱ عنوان را منتشر کرد و از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸م (سال آخر) ۶۳ عنوان منتشر شد.

سال	تعداد ^۱
۱۹۵۴ (۱۳۳۳)	۳
۱۹۵۵ (۱۳۳۴)	۳۱
۱۹۵۶ (۱۳۳۵)	۳۷
۱۹۵۷ (۱۳۳۶)	۴۲
۱۹۵۸ (۱۳۳۷)	۳۰

۱. این جدول بر اساس فهرست چاپ شده کتاب‌های مؤسسه فرانکلین تهران است که در آرشیو اسناد کنگره آمریکا نگهداری می‌شود (<https://www.loc.gov/r/rarebook/coll/franklinbookprogram.html>)

۲۸	۵۹ (۱۳۳۸)
۶۶	۶۰ (۱۳۳۹)
۶۹	۶۱ (۱۳۴۰)
۱۸	۶۲ (۱۳۴۱)
۳۵	۶۳ (۱۳۴۲)
۴۴	۶۴ (۱۳۴۳)
۴۷	۶۵ (۱۳۴۴)
۵۸	۶۶ (۱۳۴۵)
۴۲	۶۷ (۱۳۴۶)
۴۱	۶۸ (۱۳۴۷)
۳۵	۶۹ (۱۳۴۸)
۵۴	۷۰ (۱۳۴۹)
۳۲	۷۱ (۱۳۵۰)
۲۸	۷۲ (۱۳۵۱)
۲۷	۷۳ (۱۳۵۲)
۳۰	۷۴ (۱۳۵۳)
۶۳	۷۵-۷۸ (۱۳۵۴-۵۷)
۸۵۰	جمع

از مجموعه کتاب‌های چاپ شده این مؤسسه، به لحاظ موضوعی، ادبیات^۱ (داستان، مقالات، شعر) ۱۹ درصد، کتاب‌های کودکان^۲ ۱۸ درصد، تاریخ^۳ ۱۷ درصد، علم (از جمله

۱. مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده در حوزه ادبیات: الحمرا؛ پل سان لوئیس ری؛ سرنوشت کین ندای وحش؛ یک نسخه از اشعار رابرت فروست؛ بر باد رفته؛ گنسی بزرگ؛ هاگل بری فین؛ خانه هفت گیلد؛ یک نسخه از اشعار آن لیندبرگ؛ مویی دیک؛ من آنتونیا هستم داستان دو شهر؛ تام سایر؛ چرخش پیچ.
۲. مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده در حوزه کودکان: جغرافیا طلایی؛ پادشاه باد؛ سفر پینتو؛ تصاویر به رشد با؛ سوار با خورشید؛ و چندین دهه از مجموعه‌های شناخته شده کتاب‌های علمی کودکان، به خصوص آنهایی که توسط برتا پارکر؛ و بسیاری از «چهره‌های ملل» مجموعه‌ای از کتاب‌های مربوط به کشورهای دیگر.
۳. مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده در حوزه تاریخ: داستان تمدن کارل و فردریک دانکلف بکر، داستان تمدن؛ ۶ جلد تاریخ تمدن ویل و آریل دورانت؛ سقوط امپراتوری روم ادوارد گیبون؛ تاریخ اعراب فیلیپ حتی؛ جنگ و صلح در قانون اسلام مجید خادوری؛ تاریخ جهان نو رابرت پالمیر.

پزشکی) ۱۵ درصد، روانشناسی و آموزش ۱۲ درصد، مطالعات ایرانی و اسلامی ۹ درصد، فلسفه^۱ ۷ درصد و هنر ۳ درصد را شامل شده است (Smith. Encyclopædia Iranica (online edition, 2012).

بدون شک برنامه اول مؤسسه فرانکلین، ترجمه آثار انگلیسی‌زبان بود که در سالیان آغازین به خوبی نمایان است. یک روزنامه‌نگار مستقل نیویورکی در گزارشی از اداره مرکزی فرانکلین تهران گفت: «مترجمان مشغول به کار در فرانکلین تهران» ۷۵۷ عنوان را در حدود دو و نیم میلیون نسخه برای کشور ۳۰ میلیون نفری ترجمه کرده‌اند، ۷۰ درصد آنها هنوز بی‌سواد هستند». او پیش‌بینی کرد «فرانکلین تهران به عنوان یک منبع ملی پرتعداد می‌تواند برای ایران ارزش بیشتری نسبت به خاویار، جواهرات سلطنتی و نفت خام داشته باشد» (Hadadian- moghadam, 2016: 12).

با تغییر سیاست‌های کلان مؤسسه فرانکلین که به آنان اشاره شد، رویکرد مؤسسه فرانکلین تهران نیز تغییر یافت. این مؤسسه که در ابتدا رویکرد ترجمه کتاب‌های آمریکایی را دنبال می‌کرد، به ترجمه از زبان‌های مختلفی همچون فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی نیز تمایل پیدا کرد (Ibid: 9). اهتمام فرانکلین تهران برای تضمین حقوق کتاب‌های فرانسوی، انگلیسی و آلمانی، منجر به تبدیل برنامه آمریکایی با مرکزیت کمتری شد. فرانکلین تهران موفقیت‌هایی در همکاری با ناشران فرانسوی و بریتانیایی کسب کرد (Ibid). تغییر دیگر افزایش کتاب‌های تألیفی به زبان کشورهای فرانکلین در آنجا شعبه داشت، بود. تا سال ۱۹۶۹م تنها ۵ عنوان کتاب به زبان فارسی در فرانکلین تهران تألیف شده بود، در حالی که از سال ۱۹۶۹ تا پایان کار فرانکلین، ۴۶ عنوان کتاب به زبان فارسی تألیف شده بود (<https://www.loc.gov/r/rarebook/coll/franklinbookprogram.html>).

ارزیابی‌های فیلستروپ، از ۶۴ عنوان کتاب منتشر شده در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۹م، ۲۱ کتاب به زبان فارسی بوده و ۲۱ کتاب را ترجمه‌های غیر آمریکایی، همچون فرانسه، انگلیسی و آلمانی تشکیل می‌داده است (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۱۳).

با تغییر خط‌مشی فضای جنگ سرد از شکل مستقیم به غیرمستقیم، دیگر کتاب‌هایی از جانب مؤسسه مادر به شعبات برای ترجمه سفارش داده نمی‌شد، بلکه از آنجا که هدف اشاعه هژمونی در قالب ترسیم جهان آمریکایی بود، دیگر به شکل ناشیانه‌ای به ترویج کتاب‌های

۱. مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده در حوزه فلسفه: آیزا برلین، عصر روشنگری؛ ساکس کمینز و رابرت لینسکات، معروفترین متفکران جهان؛ جان دیووی، دموکراسی و آموزش و پرورش؛ ویل دورانت، داستان فلسفه؛ ویلیام جیمز، انواع تجربه مذهبی؛ والتر لیپمن، فلسفه عمومی؛ آلفرد نورث وایتهد، ماجراهای ایده.

آمریکایی توجه نشان داده نمی‌شد، بلکه هدف ترسیم جهانی رو به توسعه بود. در اشارات کریم امامی که به این مسئله مرتبط است، این تغییر رویکرد نمود دارد. به گفته او، هدف فرانکلین اساساً ترویج کتاب‌های آمریکایی بود، اما در زمان حضور وی، این کار انجام نمی‌شد. باید توجه داشت که بخش اول صحبت امامی معطوف به دهه ۵۰ میلادی و بخش دوم مربوط به دهه ۶۰ میلادی است. امامی در ادامه می‌گوید، در زمان حضور وی (دهه ۶۰ میلادی)، «ما دیگر به آن ترتیب که کتابی از آمریکا پیشنهاد شود کار نمی‌کردیم، بلکه در ایران خودمان براساس پیشنهاد اشخاصی که دوست داشتند کاری را ترجمه کنند یا کتابی را که شورا [شورای انتخاب] مناسب ترجمه می‌دید انتخاب می‌کردیم و هر تصمیمی که بود در همین تهران انجام می‌گرفت» (امامی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). کریم امامی تصور می‌کرد که مؤسسه دارای یک استقلال از مؤسسه مادر شده بود. این مطلب تا حدی صحیح است، اما باید توجه داشت که در فضای هژمونیک شدن ارزش‌های جهان آمریکایی در جامعه مدنی ایران، دیگر نمی‌توان از استقلال مؤسسه فرانکلین تهران سخن گفت، زیرا فضای عمومی تحت تأثیر جهانی آمریکایی است؛ بنابراین اصلاً لازم نیست که دستوری از جانب مؤسسه انتشارات فرانکلین نیویورک یا مؤسسات فرهنگی و امنیتی ایالات متحده به مؤسسه فرانکلین تهران دیکته شود و همچنین به هیچ‌روی لازم نیست که کارکنان فرانکلین تهران را مزدورانی آمریکایی بدانیم، بلکه همین اندازه کافی است که فضای آمریکایی جامعه مدنی ایران را در نظر آوریم. این گونه، برنامه‌های فرانکلین تهران و دیگر حوزه‌های فرهنگی همچون سینما، رادیو، موسیقی معنای خود را پیدا می‌کند.

برای جلال آل احمد که یکی از منتقدین اصلی فرانکلین تهران و به‌طور کل سیاست‌های فرهنگی آمریکا در سطح جهانی بود، این مسئله جای ابهام داشت که چرا فرانکلین در مقطعی در راستای سیاست‌های مستقیم آمریکا رفتار نمی‌کرد و حتی موجب شد که آل احمد گمان برد که این سیاست‌ها در راستای مطامع انگلیس است! «غیر از کارهای علمی، اغلب کتاب‌هایی که این بنگاه تبلیغاتی آمریکایی از چاپ درآورده است چندان تبلیغی برای آمریکا نمی‌کند و راقم این سطور که همیشه برای کتاب خواندن وقت و فرصت و علاقه و دقت دارد به چنین ابهامی دچار شده است که مبادا اداره کنندگان اصلی این بنگاه در آمریکا از آن دسته از هیئت حاکمه مملکت خودشان باشند که فریفته انگلستان اند و مبلغ انگلیس مآبی! یا دست کم مباشران ایرانی این بنگاه خدای نکرده در چنین راهی گام می‌زنند یا اصلاً لاعن شعور چنین پیش آمده است و یا اینکه این اشتباهی است کلی که راقم این سطور کرده است» (آل احمد، ۱۳۴۲: ۸۳). برای آل احمد که جنس امور را از نوع «خدمت و خیانت»

می‌دید، طبیعتاً این سؤال طرح می‌شده است، اما اگر با نگاه هژمونی ایدئولوژی سرمایه‌داری به این مسئله نظر انداخته شود، ابهام آل احمد روشن و حتی طرح آن بی‌معنا می‌شود.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که فرانکلین روزولت گفته بود، «کتاب‌ها گلوله‌هایی بودند که در جنگ برای ذهن‌ها نبرد می‌کردند». آمریکا با اهتمام به صنعت چاپ کتاب به‌عنوان یک پروپاگاندا بزرگ علیه کمونیسم، بودجه‌های عظیمی را صرف چاپ کتاب در کشورهای در حال توسعه کرد؛ زیرا پرچمداران جنگ سرد فرهنگی آمریکا به این نکته رسیده بودند که باید به سمت «تصرف قلب و مغز» کشورهای جهان سوم حرکت کنند. این رویکرد موجب شد تا دولت به‌طور کلی کتاب‌ها را به‌عنوان جنبه‌ای از سیاست خارجی ایالات متحده تصدیق کند و آنان را به‌عنوان «سفیران» آمریکا که در چارچوب مناسبات فرهنگی خدمت می‌کنند، در نظر بگیرد. لیندون جانسون به‌عنوان یکی از بانیان این سیاست اظهار کرده بود که کتاب‌ها و ایده‌ها مؤثرترین سلاح علیه ناشکیبایی و جهل هستند. آمریکا از طریق کتاب توانست جهان سرمایه‌داری را توسعه دهد و کشورهای در حال توسعه را تا حد زیادی از خطر شوروی و جهان‌بینی کمونیستی برهاند. ایالات متحده آمریکا با استفاده از سیاست کتاب، دموکراسی را به‌عنوان یک ارزش آمریکایی در کشورهای در حال توسعه تعمیق داد و تا حد زیادی توانست سوسیالیسم شوروی را منزوی کند. چه راهی بهتر برای فروش دموکراسی در خارج از کشور از طریق انتشار «سفیران ساکت» مانند کتاب وجود داشت؟ برای ایالات متحده ارزشمند بود که از کتاب‌هایی که در مقایسه با سایر رسانه‌ها نسبتاً ارزان‌تر بودند، در فروش فلسفه قرن خود یعنی دموکراسی استفاده کند. صنعت چاپ و نشر کتاب در این زمینه، نه تنها ابزاری آمریکایی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای جهان سرمایه‌داری درآمد. دستاورد آن اگرچه برای کشورهای در حال توسعه مطلوب بود، اما در واقع فضایی را برای تنفس به وجود می‌آورد که با وجود اینکه وجهی دموکراتیک داشت، اما در پس آن چیزی جز سیطره‌ی جهان سرمایه‌داری از جنس آمریکایی - نه اروپایی - نبود.

فهرست منابع و مآخذ

- افشار، ایرج، (۱۳۸۸)، «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی» یادنامه‌های همایون صنعتی‌زاده، مجله بخارا، تهران: ش ۷۲ و ۷۳، صص ۲۵-۳.
- امامی، کریم، (۱۳۸۰)، «درباره کریم امامی». مجله بخارا. ش ۲۱ و ۲۲، صص ۱۷۲-۱۳۸.
- آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، تاریخ و تحول نشر. تهران: خانه کتاب.

- آل احمد، جلال، (۱۳۴۲)، «بلشوی کتاب‌های درسی». سه مقاله دیگر، بی‌جا: بی‌نا.
- بیات، کاوه، (۱۳۷۴)، «تجربه فرانکلین» مجله گفتگو. ش ۷، صص ۶۳-۵۷.
- پوراحمدی میبدی، حسین و روح‌الامین سعیدی، (۱۳۹۰)، رابطه فرهنگ و هژمونی در عرصه جهانی: رویکردی گرامشینیستی. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۸، زمستان، صص ۱۸۰-۱۴۳.
- جمشیدی، محمد، (۱۳۸۶)، نظام‌های بین‌المللی تک قدرت محور: تک قطبی، هژمونی، امپراتوری. دوره ۱۰، شماره ۳۸، زمستان، ۸۰۶-۷۸۵.
- جول، جیمز، (۱۳۸۸)، گرامشی. ترجمه محمدرضا زمردی، تهران: ثالث.
- راجر، سایمون، (۱۳۹۸)، درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی آنتونیو گرامشی. ترجمه محمد کاظم شجاعی، تهران: انتشارات سبزان.
- علی‌نژاد، سیروس، (۱۳۹۵)، از فرانکلین تا لاله زار. تهران: ققنوس.
- فیلستروپ، ج. م، (۱۳۵۷)، «مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران» ترجمه آرین گیتی، مجله نامه انجمن کتابداران ایران. ش ۴۱، بهار، صص ۳۶-۷.
- نجف زاده، رضا، (۱۳۸۱)، مارکسیسم غربی و مکتب فرانکفورت. تهران: قصیده سرا.
- یادگار، ژیل، (۱۳۵۸)، بررسی فعالیت‌های مؤسسه انتشارات فرانکلین. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

روزنامه‌ها

- روزنامه اطلاعات، «حمله به چاپخانه انتشارات فرانکلین» پنجشنبه ۱ دی ۱۳۵۶ [۲۵۳۶]، شماره ۱۵۴۹۳.
- روزنامه رستاخیز. «اطلاع برای عموم»، سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷. شماره ۹۱۴.

اسناد

- «وکالتنامه انتصاب علی اصغر مهاجر به ریاست مؤسسه فرانکلین تهران»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی ۸۶۱۰، سند شماره‌های ۴-۸ و ۱۸-۳۰.
- «شعبه بنگاه فرانکلین»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد وزارت اطلاعات ۲۰۰۷-۱-۱- سند شماره ۲۱، ۲۷ و ۸۸.
- «آقای وزیر فرهنگ دیگر اگر قسم هم بخورید حرف شما را باور نخواهیم کرد»، مرکز اسناد ریاست جمهوری، شماره بازبایی، ۶۴۸۰۷.
- Books For Developing Countries Guide for Enlisting Private-Industry Assistance, (undated) prepared by franklin book program Inc, New York: franklin book program Inc.

- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil. (2016), "The Cultural Cold War and the Circulation of World Literature Insights from Franklin Book Programs in Tehran." *Journal of World Literature* 1, No 3, 371-390.
- Laugesen, Amanda. (2010), "The Franklin Book Programs, Translation, and the creation of a Modern Global Publishing culture, 1952–1968." *The Princeton University Library Chronicle*, Vol 71, No 2, 168- 186.
- Mokia, Rosemary Ntumnyuy. (1995), "Publishers, United States Foreign Policy and the Third World, 1960- 1967". *Publishing Research Quarterly*, Vol 11, Iss. 2, 38- 51.
- Robbins, Louise, (2007), "Publishing American Values: The Franklin Book Programs as Cold War Cultural Diplomacy," *Library Trends*, Johns Hopkins University Press, Volume 55, Number 3, 638- 650.
- Smith JR, Datus C. (1983), "Books for Developing Countries: The Franklin Book Programs, *The Quarterly Journal of the Library of Congress*." Vol 40, No 3, 254- 265.
- Smith Jr, Datus C. (2012), "FRANKLIN BOOK PROGRAM," *Encyclopædia Iranica*, online edition, accessed 31 January 2012, <http://www.iranicaonline.org/articles/franklin-book-program>.
- Smith Jr, Datus. (1989), *C, A Guide to Book Publishing*, Published by Univ of Washington Pr, Baltimore, Maryland, U.S.A.
- <https://www.loc.gov/r/rarebook/coll/franklinbookprogram.html>
- <https://findingaids.princeton.edu>
- Newspapers
- *New York Times Book Review*, Dempsey, D. "In and out of books". column 1, 6 July 1952, 8.
- *New York Times*, "Worldwide Propaganda Network Built by the C.I.A.," 26 December 1977.
- Documents
- "Administrative correspondence between Dan Lacy and Datus Smith", *National Security Archive Electronic Briefing Book*, "U.S. Propaganda in the Middle East - The Early Cold War Version", Edited by Joyce Battle, No 78, 13 December 2002, <https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB78/essay.htm>.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 5, Issue 4, No.18, winter2022

A Review of Activities of Franklin Book Program in Iran within the Context of Cold War

Meisam Amani; * Karim Soleimani**

Abstract

One of the salient features of the Cold War was the cultural rivalry between the Eastern and Western blocs. To dominate different countries, instead of pursuing a direct policy and using military force, the Soviet Union and the United States sought to penetrate the civil society through cultural instruments and by focusing on people's thought. In this campaign, the United States managed to dominate the civil society of developing countries by means of music, film, fashion, book publishing, and by instilling the idea of democracy and liberalism, and thus became the hegemonic power. In the field of publication, Franklin Book Program, by establishing numerous branches in many developing countries, transformed the book publishing industry, and managed to influence the civil society of these countries and capture the cultural arena. The findings of the present descriptive-analytical study, based on historical documents, show how the US hegemony in Iran was developed by relying on the publishing industry. In addition, this research sees the activities of the Franklin Book Program in Iran and the world in the context of a macro-cultural competition in the international sphere.

Keywords: cultural Cold War, hegemony, civil society, Franklin Book Program, Iran, USA.

* PhD Student of History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University, soleimanyk@gmail.com.

** Corresponding author: Associate Professor, Department of History, Shahid Beheshti University. soleimanyk@gmail.com.

[Received: 10 October 2021; Accepted: 25 April 2022] DOI:10.29252/HSOW.5.4.1|